یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

با کنار رفتن این جناح‌بندی‌ها فکر می‌کنید چه چیزی در فضای سیاسی جایگزین می‌شود؟

بخش مثبت قصه این است که در این انتخابات می‌تواند اتفاق دیگری رقم بخورد که مردم از فضای جناحی و سیاسی درآیند. امام فرمود محافظه‌کاری قتلگاه انقلاب است. ما الان در حال تکرار سیاست‌ها و رویکردهای غلط، آزمایش‌شده و شکست‌خورده هستیم و نگرانی بابت کسری بودجه داریم؛ دست در جیب مردم کرده و گران می‌کنیم و ارز ترجیحی را برمی‌داریم تا کسری بودجه را جبران کنیم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کنیم اگر مردم را در اقتصاد وارد کنیم، کیک اقتصاد بزرگ‌تر شده و به تبع آن منابع بیشتری هم وارد و کسری بودجه کم می‌شود. باید از این زاویه به ساختار بودجه‌ریزی نگاه کنیم. ما بارها و بارها گفته‌ایم اما رای نمی‌آورد و دولت مخالفت می‌کند و اجرا نمی‌شود. در مراحل بعدی نظارتی تایید نمی‌شود و گوش نمی‌کنند. هرچه جلوتر برویم فضای انتخابات قطعا شفاف‌تر خواهد شد. من به دلیل حضور جوانان در بخش ثبت‌نام کاندیداها امیدوارم همین فضای جوانانه در مورد رای‌دهندگان هم حاکم شود و این‌بار جوانان صحنه را در دست بگیرند که شاید تابلوی سیاسی و جناحی هم نداشته باشند اما با مطالبات مشترکی که دارند و آرمان‌خواهی مستتر در ذات جوانان و فضای رسانه‌ای که در دست جوانان است و می‌توانند رای‌ساز باشند و بازی‌های سیاسی پشت پرده را بر هم بزنند وارد عمل شود. امیدواریم صحنه در دست آنها قرار گیرد.

آیا عدالتخواهان امسال لیستی برای مجلس منتشر می‌کنند؟

من سخنگوی عدالتخواهان نیستم اما در جریان عدالتخواهی هستم. عدالتخواهی از اساس واقعا یک جریان اجتماعی است و به‌هیچ‌وجه جریانی حزبی نیست و سیاسی هم به این معنا نیست، یعنی باند حزبی و سیاسی نیست. عضو عدالتخواهی و غیرعضو در آن نداریم. این از فضای دانشجویی شروع شد و از دهه ۸۰ در فضای اجتماعی و رسانه‌ای تکثیر شد. در فضای تحلیلگری و مطالبه‌گری اصلا مطالبه‌گران محصول مستقیم عدالتخواهی هستند. عدالتخواهان شروع به مطالبه‌گری کردند تا بعد از آنها جریان عمومی مطالبه‌گری در کشور شکل بگیرد. حتی من معتقدم جریان اندیشه‌ورزی و این اندیشکده‌ها هم که از قبل شروع شده بودند، با ارتباط با جریان عدالتخواهی قوت و جان گرفتند. امروز جریان جوان اندیشه‌ورز در کشور در مسائل مختلف داریم. این جریان اجتماعی مادر بخشی از جریانات بعد از خودش هم شد. در عرصه جبهه فرهنگی باز الان بخش زیادی از نسل مستندساز و فیلمسازی که داریم، از دل جریان عدالتخواهی بیرون آمده و به سمت فیلم و هنر رفتند؛ البته جریان عدالتخواهی تا این لحظه واقعا مظلوم واقع شده و از طرف دستگاه‌های نظارتی برایش دست‌انداز درست شده است. بچه‌های عدالتخواه حداقل یک پرونده را در کارنامه خود دارند، بعضا به دادگاه رفته و حبس گرفته و مجازات شده‌اند. از این جهت جریانی نیست که متولیان سیاسی حمایتش کنند. بعضا چپ و راست آن را زده‌اند. سال ۱۳۸۲ سعید حجاریان به نیروهای خودش گفت مراقبت کنید و پرچم عدالتخواهی آینده کشور را رقم خواهد زد و دو سال بعد دولتی که سر کار آمد، محصول جریان عدالتخواهی بود. محصول آن شد دولت نهم و کار از دست هر دو جناح خارج شد. دوستان اصولگرا و بچه‌های انقلابی که کلمه عدالتخوار را وضع کردند صریحا جلوی جریان فرهنگی که حضرت آقا درست کرد با این کلمه ایستادند. کلمه مقدس عدالتخواهی را با کلمه موهوم عدالتخواری به لجن کشیدند و زمین زدند. بعد از آن همه ترسیدند بگویند ما عدالتخواه هستیم که مبادا به آنها بگویند شما عدالتخوار هستید. این هم البته یک فرد امنیتی درست کرد و سر زبان‌ها انداخت و من خودم در بولتن‌هایشان دیدم که آن زمان جریان عدالتخواهی را در کنار جریان انحرافی می‌گذاشتند و می‌گفتند اینها یک باند هستند و مثلا عدالتخواه هستند! عدالتخواهی منکوب و سرکوب شد و به دادگاه کشیده شد و در بعضی از استان‌ها مثل خوزستان به وضوح دیده می‌شود که هر کسی مطالبه‌گری کند، بلااستثنا در دادگاه برایش پرونده درست می‌کنند و بازداشتی می‌گیرند و البته جریانی پشت این قصه است که بترسانند که بچه‌ها وارد این گود نشوند. من یک ماه پیش نامه سرگشاده‌ای به آقای اژه‌ای زدم و از مواضع ایشان تشکر کردم که به صراحت گفته بودند در بحث بازداشت‌ها متانت به خرج دهید؛ اما ان‌شاءالله ثمرات جریان عدالتخواهی در عرصه علم باعث خواهد شد از این واپس‌گرایی علمی درآییم. در علوم انسانی و علوم مهندسی متکی به نوگرایی به مقتضیات بومی خواهیم رسید. سال‌ها شعار دادیم که باید با اقتضای بومی خودمان به سمت فضای علمی و دانشگاهی برویم اما هنوز این پوسته نشکسته و آن شجاعت و خط‌شکنی وجود ندارد تا فضای دانشگاه به نفع کشور عوض شود. این همه درس و پژوهش و ساعت‌ها هزینه‌های ملی چه نفعی برای کشور دارد؟ این‌همه مدرک که می‌دهیم چه فایده‌ای دارند و چند مساله فرهنگی یا اجتماعی را توسط همین‌ها حل کرده‌ایم؟

مهم‌ترین مسائلی که فکر می‌کنید چهره‌های مشهور جریان عدالتخواه می‌توانند پیگیری کنند چیست؟

بحث توسعه و پیشرفت روستایی موضوعی است که واقعا به قهقرا رفته. بعد از جنگ از سوی تکنوکرات‌ها وجود روستا با مخالفت صریح مواجه شده و اینها می‌خواستند آنها را جمع کنند و بیاورند در حاشیه شهر یک آلونکی بدهند. می‌گفتند این مزارع خرده‌مالکی فایده ندارد و باید چند شرکت کارتلی شکل گیرد و به صورت یکپارچه مزارع را به آنها بدهیم و کشاورزان هم به شهر بیایند و سیگارفروشی کنند. اینها دلیلی بر بردن این همه آب و خدمات به روستاها نمی‌بینند. الان نسبت روستانشین ما به شهرنشین ۳۰ به ۷۰ شده که اوایل انقلاب برعکس بود. حاشیه‌های شهر و فقر شهرنشینی درست شد و روستاها هم معمولا بلااستفاده مانده یا تخریب شدند. آلودگی شهری ایجاد شد و این به خاطر فراموش کردن روستاها بود. بچه‌های عدالتخواه با ترکیبی که با بچه‌های جهادی پیدا کردند، قطعا می‌توانند روستاها را به جایگاه اصلی‌شان برگردانند و ما دیگر شاهد مهاجرت فراوان از روستاها نباشیم. یک جریان اجتماعی وسیع که افراد به روستاها برگردند. الان هم بارقه‌هایش مشخص است.

در عرصه سیاست چطور؟

در عرصه سیاست فعلا فضا اصلا در دست عدالتخواهان نیست و اینها نه در مجلس و نه در دولت نیستند. جریان پایداری که اساسا نیستند، حتی یک جریان کوچک هم نیستند. محافظه‌کاری بر فضای حاکمیت ما متاسفانه همچنان ادامه دارد. بارقه‌های آن هم همین است که ما یک طرح شفافیت آرا را هم نمی‌توانیم جلو ببریم. هنوز در ادارات آن خوی استعماری ارباب-رعیتی حاکم است. مردم می‌خواهند حقوق طبیعی خود را بگیرند. احکام صادره در دادگاه‌ها واقعا چقدر به نفع مردم است؟ چه جریانی می‌تواند جلوی اینها بایستد و حق مردم را استیفا کند؟ جریان عدالتخواهی در حوزه قضایی هنوز ورود نکرده. پرونده هفت‌سنگان و یکی دو پرونده مثل این وجود دارند که فرماندار حبس شده اما هنوز در دستگاه قضا نمی‌توانیم ادعا کنیم جریانی به نام عدالتخواهی اصلا ورود کرده باشد تا جایی که خود رهبری هم می‌فرمایند با فساد درون قوه مقابله کنید. به صراحت می‌گویند فساد درون قوه وجود دارد اما هنوز بعضی‌ها می‌ترسند یا خجالت می‌کشند بگویند درون قوه قضائیه فساد وجود دارد. طبری‌ها از کجا درست می‌شوند؟ هنوز در عرصه سیاست و فضای حاکمیت متاسفانه جریان عدالتخواهی نتوانسته ورودی به آن معنا داشته باشد که بگوییم جایی را فتح کرده یا دست گرفته و خروجی بدهد.

گفتید مردم در جامعه از اشرافیت گذر کردند و الان دنبال عدالت هستند. فکر می‌کنید اگر قرار باشد عدالتخواهان در کنار اصولگرایان و طیف‌های دیگر لیست جدایی بدهند، چقدر این حضورشان سرمایه اجتماعی دارد که مردم اینها را بشناسند و به آنها رای دهند. آیا فکر می‌کنید این جریان قدرت رای‌آوری دارد؟

عدالتخواهی حزب نیست. ما باید عدالتخواهی را از تک‌تک مسئولان مطالبه کنیم. این امر رهبری است. همه مسئولان باید به موضوع عدالت که اصل و رکن اساسی تشکیل نظام جمهوری اسلامی بوده، توجه کنند. اصلا فلسفه ظهور انبیا برپایی قسط و عدل بوده است. این چیزی است که باید از اصولگرایان، اصلاح‌طلبان یا مستقل‌ها پرسید و دید آیا برنامه‌ای برای تحقق آن دارند؟ عدالتخواهی را نباید به یک حزب تقلیل داد. مردم خودشان هستند که تعیین می‌کنند آیا می‌خواهند عدالت مستقر شود یا نه! و مطالبه عمومی کنند از همه مسئولان، چه آنهایی که با رای مردم انتخاب می‌شوند و چه سایر مسئولان. اگر کشور می‌خواهد نجات پیدا کند، راهی جز عدالتخواهی وجود ندارد. رهبری می‌فرمایند پیشرفت کشور از مسیر عدالت اجتماعی است و مسیر دیگری برای پیشرفت جمهوری اسلامی متصور نیستیم.

آیا به غیر از مسیر تحقق عدالت راه دیگری برای پیشرفت کشور متصور هستید؟

اگر عدالت را مستقر نکنیم، پس چه چیز را می‌خواهیم مستقر کنیم که به پیشرفت برسیم؟ پیشرفت و عدالت دو روی یک سکه هستند. رهبری در دهه ۷۰ فرمودند توسعه بدون عدالت چه شکلی است. مگر می‌شود بدون عدالت توسعه پیدا کرد. زمانی که گفتمان توسعه در کشور بود، خیلی‌ها در تریبون‌های رسمی می‌گفتند اول توسعه و بعد عدالت. اول برویم کشور را توسعه دهیم، بعد درباره عدالت فکر خواهیم کرد. رئیس جمهور وقت در تریبون نمازجمعه می‌گفت عدالت بدون توسعه می‌شود توزیع برابر فقر. تئوری‌سازی هم می‌کردند. این همه پول در کشور خرج می‌شود. این همه زیرساخت ایجاد شده و توسعه کمی داده‌ایم اما شکاف عدالتی و تبعیض طبقاتی ما هنوز هست. زنگ خطر آموزش‌وپرورش امسال برای همه به صدا درآمد که هر کسی پولش بیشتر است، آموزش و دانشگاهش بهتر. هزار نفر اول کنکور همه از مدارس غیرانتفاعی بودند. حالا باید بایستیم تا تبعیض طبقاتی رو شود و ملت ببینند در عرصه سلامت متاسفانه چگونه داریم با اصرار و سماجت به سمت شکاف طبقاتی می‌رویم. این همه پول خرج نظام سلامت‌مان می‌کنیم و در همین مجلس اصولگرایمان هم همچنان حاکمیت پزشکان را در عرصه بهداشت داریم. من خودم دیدم هر جا می‌خواستیم در عرصه بهداشت پزشک‌سالاری را در نظام سلامت کم کنیم، به جایی نرسیدیم. آرزوی بزرگی داریم که مانده تا به آن برسیم. اگر می‌خواهیم از مسیری غیر از عدالت به قله‌ها برسیم، آقایان به وضوح بگویند چه مسیری است؟ آقا می‌فرمایند ما در عدالت عقب ماندیم. ایشان در بیانات‌شان در گام دوم گفتند که ما عقب‌ماندگی در عدالت را چطور می‌خواهیم جبران کنیم؟ ما باید دوموتوره حرکت کنیم؟ امروز نظام کارگری ما به وضوح مشخص است که جزء شاخص‌های بی‌عدالتی کشور شده. رهبری اول انقلاب گفتند شما بودجه و حقوق و مزایا برای کارمندان تدارک می‌بینید، بقیه مردم که کارمند نیستند چه کنند؟ یا به صراحت گفتند چیزهای جبرانی برای کارمندان گذاشتید، بقیه مردم با آسیبی که از کرونا خوردند چه کنند؟ در صنعت هم همین‌طور. صنایع بزرگ رانتی که به نفت و معدن وصل هستند، وضع‌شان هر روز بهتر از دیروز است اما انبوه صنایع و کارگاه‌های کوچک و مستقل از رانت که با پول خودشان کاری ایجاد کرده‌اند، کجا بروند؟ حالا هر قدر معافیت و بخشودگی مالیاتی هم بگذاریم، باز فایده ندارد. ما چگونه به کارآفرین‌ها و کسانی که خلق ثروت می‌کنند و مانع از مهاجرت به کلانشهرها می‌شوند، رسیدگی می‌کنیم؟

شما می‌گویید عدالتخواهی یک جریان اجتماعی است. اما یک‌سری افراد مشخصی دارند عدالتخواهی می‌کنند. یک فضایی وجود دارد و اشخاصی در طیف عدالتخواهی تعریف می‌شوند مثل تفرشی که مواضع تندی دارد یا اشتری. فکر نمی‌کنید اینها اگر متشکل باشند و ساختار مشخصی داشته باشند، هم راحت‌تر می‌توانند مطالبات‌شان را پی بگیرند و هم اینکه تهمت‌ها و فشارها خیلی متوجه‌شان نخواهد شد، یعنی مطالبه و ساختار مشخص داشته باشند تا به سمت خواسته‌هایشان در حوزه‌های مختلف بروند. الان در نگاه اجتماعی این‌طور است که عدالتخواهان افراد مشخصی هستند که نگاه‌های خاصی دارند، شاید اصولگرایان و بقیه افراد این نگاه را ندارند.

اینکه درباره ریزش‌ها در جریان عدالتخواهی سیاه‌نمایی می‌شود و آگراندیسمان می‌شود، اصلا قبل از اینها بگویم در کدام جریان دیگری ما ریزش نداشتیم؟ در خود روحانیت و جریان اصیل و ریشه‌دار آن ریزش‌های عجیب و غریب در سطح مرجع تقلید نداشتیم؟ مگر در خود اصولگرایان ما این همه سال‌های سال ریزش نداشتیم؟ آقای روحانی با لیست اصولگرایان به مجلس رفت. آن زمان به اینها راستی می‌گفتند و بعد اسم‌شان شد اصولگرایان. آقای هاشمی‌رفسنجانی در مجلس ششم از سمت اصلاح‌طلبان لگدمال شد و آن‌طور در آن سال علیه‌شان جریان‌سازی شد، اما بعد ایشان خودش در دولت نهم سردمدار اصلاح‌طلبان شد. آقایان این تغییرات عجیب و غریب و ریزش‌ها را چطور توجیه می‌کنند و الان به تعدادی جوان گیر می‌دهند که الان اینها ریزش کرده‌اند! خود انقلابیون و موسسان انقلاب پیش از اینها ریزش کردند. خود آقا بارها گفتند انقلابیونی بودند که از آرمان‌طلبی و عدالتخواهی خسته شدند. از اینها زیاد داشتیم. در این جریانات اگر بخواهیم بشماریم، حالاحالاها نوبت به عدالتخواهی نمی‌رسد که بعضی بتوانند آن را چماق کنند و بگویند فلان فردی که جزء موسسان عدالتخواهی در جنبش دانشجویی بود، الان فلان توییت را می‌زند! هر جریان زنده اجتماعی تغییر و تحول دارد؛ هم ریزش و هم رویش. تغییرات فکری و فرهنگی در ذات همه جریانات اجتماعی است. این حرف‌ها بعضا از روی حب و بغض و لج و لجبازی است. واقعا جریانات سیاسی و به‌ویژه اصولگرایی پرونده‌هایشان در این قضایا کلفت‌تر و قابل بررسی‌تر از عدالتخواهان است. خیلی از افراد این جریانات از خط اصیل آن خارج شدند و عملا در باند مخالف یا باندهای برانداز هستند. ضمن اینکه بحث اساسی این است آقا درباره اصل انقلاب هم می‌گویند ریزش‌هایی داشتیم، اما رویش‌ها بیشتر از ریزش‌ها بوده است. بنده نوعی که از روز اول جنبش عدالتخواهی دانشجویی بودم، در شهرها که برای بازدید یا صحبت می‌روم، عدالتخواهانی می‌بینم که یک‌بار هم آنها را ندیده‌ام، اما می‌بینم چقدر قوی وارد این عرصه شده‌اند. بعضا با مبانی و موضوع و مساله‌محور، پرتلاش و امیدوار و محصولات رسانه‌ای فاخر تولید کرده و دارای کتاب هستند و من تعجب می‌کنم که این جریان چه رویش‌هایی داشته است. این جریان بسته و منحصر به چند نفر نبوده و قرن‌ها امتداد داشته است، بنابراین من نگران این بحث‌ها نیستم. گاهی عدالتخواهی را منتسب به یک یا چند نفر می‌کنند. این‌طور نیست. آقای صدرالساداتی را من هیچ‌وقت در هیچ جلسه تشکل عدالتخواهی ندیدم. نه در شورای جنبش عدالتخواه بوده و نه در جلسات محفلی و تشکلی ما بوده. من در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ که قبل از نمایندگی به‌وفور به این جلسات می‌رفتم، ایشان را ندیدم. اگر هر برخوردی با ایشان شود، به جریان عدالتخواه منتسب شود، من نمی‌پذیرم. اینها به ما نمی‌چسبند.

برخی در فضای رسانه‌ای این گزاره را مطرح می‌کنند که مشخص نیست جریان عدالتخواهی چه می‌خواهد؟

اصلا این‌طور نیست. از روز اول ما با مبانی عدالتخواهی شروع کردیم. کتابچه را بچه‌های عدالتخواه تهیه کردند. تمام آثار شهید مطهری از منظر عدالت اجتماعی را به اسم مفسر انقلاب جمع کردند و فکر می‌کنم از سمت موسسه نشر آثار شهید مطهری به آن اجازه نشر هم داده نشد، منتها همه بچه‌ها آن را مطالعه کرده و آموزش می‌دادند یا صحیفه نور امام خمینی، جلد ۲۰ و ۲۱ که پیام‌های سال ۱۳۶۷ ایشان است و منشور روحانیت و اینها را ما به وفور در تشکل‌هایمان از روز اول برای بچه‌های ترم یک و دو بحث و تحلیل می‌کردیم. مباحث مرحوم حاج حیدر رحیم‌پور که دست به قلم بود و جزوه لبه تیغ و جزوات دیگر ایشان بارها و بارها در جلسات گفته می‌شد. آموزه‌های رحیم پورازغدی هم همین‌طور. ایشان از روز اول همراهی فکری با جریان عدالتخواهی داشتند. مباحث مجلات سوره و راه را اگر مرور کنید، متوجه می‌شوید به وفور قلم‌زنی‌های تئوریک و نظری انجام شده یا نشریه اخیری که درآمد، نامه جمهور که بنده هم جزء شورای سیاستگذاری آن هستم، جلد یک و دو فقط از جنس مبانی حرکت عدالتخواهی است که در عرصه‌های مختلف نگاه عدالتخواهی را تبیین می‌کند. اتفاقا در دهه ۸۰ حرکت عدالتخواهی جزء حرکت‌های سرآمد دانشجویی بود، چون دستش پر بود. نگاه ما به اشرافیت، مسئولیت، حوزه بین‌الملل و مباحث آن شفاف است. بعضی از شاخه‌های عدالتخواهی به مساله فلسطین و جهان مستضعفان رسید. همین آقای تفرشی چند سال از عمرش را گذاشت و به آمریکای لاتین رفت و به قضیه آنها و مناسبات بین‌المللی از زاویه عدالتخواهی پرداخت. در بحث هنر ما یک رویش بزرگی داریم و بچه‌های فیلمساز و مستندساز زیادی به این عرصه روی آورده‌اند. الان در جشنواره عمار هزاران فیلم بعضا در کلاس جهانی داریم؛ البته عدالتخواهان هنوز به حوزه علم و تولید آن و جنبش نرم‌افزاری یا حاکمیت راه پیدا نکرده‌اند. سال ۱۳۹۸ که عدالتخواهان در انتخابات مجلس در تهران، مشهد و چند شهر دیگر لیست دادند و ورود جدی کردند، شعارهایشان مشخص بود و گنگ نبود. آنها برای حقوق نماینده حتی طراحی داشتند و دریافتی‌های نماینده و مراجعات به او و موضوعاتش را بیان کردند و حتی بیلان برنامه‌ای دادند که ما اگر به مجلس برویم در این ۱۰ حوزه مثلا خودرو، بیمه، مسکن و... چه خواهیم کرد! عدالتخواهان در آن سال برنامه اعلام کردند. در آن فضای پروپاگاندا و بلبشوی سیاسی البته دیده نشد و به گوش همه نرسید و حتی انگ خوردند که وحدت‌شکن هستند. آقا سیاست‌های انتخابات را معرفی کردند. شما کلمه وحدت می‌بینید؟ گفتند رقابت، مشارکت، امنیت و سلامت. کجا آقا گفتند وحدت. یک کسی جریانی به نام وحدت می‌سازد و امثال ما را منکوب می‌کند و به چهار نفر مثل ما که می‌خواهند مستقل در معرض انتخاب مردم قرار گیرند، می‌گویند وحدت‌شکن. ملاک ما حرف آقاست که سیاست کلی نظام است. ایشان می‌گویند به همه باید میدان و اجازه داده شود و تخریب و سرکوب نشوند. همه افراد باید حرف‌شان را بزنند و اگر حرف زدند نباید به آنها گفت جریان هاشمی‌چی، برانداز و... و بعد با این حرف‌ها آنها را از میدان به‌در کنند.

رقابتی که با جریان‌های اصولگرایی و انقلابی شکل می‌گیرند، به نظر مثبت ارزیابی می‌شود؟

قطعا مثبت است. من معتقدم قدرت انتخاب مردم باید بالا باشد و محدود نباشد. وقتی ما انتخابات را لیستی می‌کنیم، قدرت انتخاب مردم را محدود می‌کنیم یعنی از همین میان انتخاب کنند. دیگرانی هم که مستقل آمدند با انواع ابزارها از صحنه به در کرده یا متهم و منکوب می‌کنیم و درواقع داریم قدرت انتخاب مردم را کاهش می‌دهیم و مشارکت مردم را خدشه‌دار می‌کنیم. انتخاب بین ۳۰۰ نفر نسبت به ۱۰۰ نفر قطعا بهینه‌تر است. سوال می‌شود که مردم چگونه ۳۰۰ نفر را دم انتخابات شناسایی کنند؟ راه شناخت مردم باید باز شود. رسانه به همین کار می‌آید. من در اصلاح قانون انتخابات پیشنهاد دادم تبلیغات انتخابات را به جای یک ماه دو ماه کنید و برای اینکه پول خرج نشود، به‌صورت مجازی کار کنند. من طرح دوفوریتی زدم و الان در سامانه ثبت است. من گفتم از یک ماه قبل تبلیغات مجازی بدون پوستر و تبلیغات خیابانی شروع شود و یک هفته دیگر اجازه دهند روش‌های دیگر هم اعمال شود. از یک ماه قبل ملت منتخبان خود را بشناسند. من به صداوسیما گفتم وقت بدهند کاندیداها به جای این همه برنامه بی‌خاصیت به‌صورت عادلانه حرف‌هایشان را بزنند و خودشان را معرفی کنند و مناظره شود. اینها به مشارکت و شناخت مردم کمک می‌کند. مردم باید گذشته و سابقه و شخصیت فرد را بشناسند، فقط که شعارهای قشنگ نیست. غیر از شعار من باید شخصیت کاندیدا را بشناسم که آیا شجاع و صریح است یا محافظه‌کار! آیا سلامت نفس دارد یا ندارد. اینها را باید مردم بدانند تا مجلس مردمی تشکیل شود. کاندیداها می‌توانند نمونه‌هایی از شجاعت خود بیان کنند تا مردم ببینند این آدم اصلا شجاع هست یا خیر. نماینده ترسو و مذبذب که نمی‌خواهیم به مجلس بفرستیم. باید دید این فرد تا به حال چه کاره بوده که حالا می‌خواهد با شعارهای قشنگ به مجلس برود و شق‌القمر کند؟ مردم که نباید به شعارهای شیک آنکادر شده توسط جناح‌های سیاسی رای دهند.

برخی نیز از فضای عدالتخواهی سوءاستفاده می‌کنند و با این عنوان برای خود کلاه می‌دوزند و طرفدار جذب می‌کنند. راه جلوگیری سوءاستفاده این افراد در صحنه سیاسی چیست؟

برخی برای مردم به دروغ ذائقه‌سازی می‌کنند. اگر مردم قدرت تشخیص نداشتند که انقلاب اسلامی شکل نمی‌گرفت! مردم تشخیص دادند نظام شاهنشاهی ۲ هزار و ۵۰۰ ساله ساقط شود و حکومت اسلامی بیاید. مردم کاملا قدرت تشخیص دارند و مسائل را می‌بینند و می‌فهمند، منتها ما و فضای سیاسی اگر به آنها اجازه دهیم. اگر فضا را نبندیم و امنیتی نکنیم. جوانی که از یک شهرستان کوچک با پول خودش آمده وارد عرصه انتخابات شده را نباید با چهار انگ سیاسی طرد کرد. نگوییم این فرد وحدت‌شکن است یا انقلابی نیست یا نگاه‌های فلان دارد! من بارها دیدم اینها بر سر دیگران آمده. اگر این جوانان نیایند و دنبال کار و کاسبی خودشان باشند، شما می‌خواهید انقلاب را با چه نیرویی پیش ببرید؟ نیروی مجاهد عدالتخواه که اهل معامله و مسامحه نباشد و بتواند از انقلاب در برابر گرگ‌های جهان‌خوار دفاع کند و مرعوب نشود و به نفع کشور کار کند را باید از کجا آورد؟ از همین قماش محدود اتوبوسی که می‌آیند و می‌روند و همه یا محافظه‌کار هستند یا برانداز و کاسب یا اهل اختلاس و فلان می‌خواهید بیاورید؟ من معتقدم در رقابت انتخاباتی ما باید بیش از اینها شجاعت به خرج دهیم و دست را باز بگذاریم. شما در سال ۱۳۸۴ دیدید آقای معین که ردصلاحیت شده بود، وقتی به نظر شورای نگهبان اعتراض کرد و از نگاه ما در فضای دانشجویی آن زمان جزء براندازان قلمداد می‌شد، به اذن آقا وارد بازی حکومتی شد. کسی که ما می‌دانستیم در غائله ۷۸ و ۸۱ دخیل بود و در جمع اغتشاشگران سخنرانی هم علیه نظام کرده بود، ولی مردم به او رای ندادند. حالا ما چند جوانی که مستقل هستند و به نظر فرماندار و اطلاعات و فرمانده سپاه آن شهر تسلیم نمی‌شوند و سر خم نمی‌کنند را متهم به انواع انگ‌ها می‌کنیم که مجبور شود از انتخابات کنار بکشد و اصلا از آن شهر کوچ کند، چون ماندن او مصادف است با انواع بایکوت‌ها و سرکوب‌ها و دیگر در هیچ اداره‌ای اجازه ورود ندارد، چون مثلا در برابر جریان اصولگرا قد علم کرده! من مصداق‌های زیادی در این موارد در شهرستان‌های مختلف دارم. این آقایی که الان ۳۰ سال است سابقه نمایندگی و... دارد، در سن ۲۰ سالگی وارد این گود شده و در ۲۲ سالگی فرمانده لشکر، وزیر یا دادستان شده و امروز برای خودش جایگاهی دارد. ما امروز به جوان ۴۰ ساله‌ای که دکتری دارد و متخصص است و هنوز حرکت‌های جهادی‌اش را رها نکرده، اجازه ورود به عرصه سیاست نداده و او را در دایره تنگ حاکمیت جا نمی‌دهیم. چگونه انتظار داریم این فرد در سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی برای انقلاب جهاد کند و در عرصه‌های سخت آینده، کشور را به سمت قله‌ها پیش ببرد وقتی نمی‌گذاریم وارد بازی حاکمیت شود.

ادامه از صفحه ۱۵

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم